

به نقل از: پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران شماره ۲۹۳، دی ۱۴۰۲

نگاهی به ۲ گزارش در رابطه با نشست داووس در زانویه ۲۰۲۴

امپریالیست‌های غربی به سرکردگی آمریکا از زمان فروپاشی بلوک شرق تاکنون تلاش کرده‌اند که با ترسیم تصویری تخیلی و دروغین از آینده جهان امپریالیستی در ذهن ناآگاهان، دوران جدیدی از صلح و رفاه و دموکراسی سرمایه‌داری را نوید دهند. اما جهانیان در تمام این سال‌ها هر چه بیشتر با بربریت روزافزون سیستم سرمایه‌داری آشنا شده و شاهد افزایش ستم‌های اقتصادی-سیاسی-اجتماعی و جنگ و جنایات روزافزون امپریالیست‌ها علیه طبقات تحت ستم بوده‌اند. حتی اگر به اظهارات رسمی مقامات و بنگاه‌های مهم امپریالیستی نیز رجوع کنیم، می‌بینیم که به شکلی بیانگر این واقعیات هستیم. در اینجا به عنوان مثال نگاهی میان‌دازیم به ۲ گزارش که در رابطه با نشست سالانه "مجمع جهانی اقتصاد" (WEF) در داووس (سوئیس) منتشر شدند. (۱)

اولین گزارشی که بررسی می‌کنیم از طرف گردانندگان نشست سالانه "WEF" منتشر شد. (۲) مجمع جهانی اقتصاد "WEF" مانند دیگر بنگاه‌های امپریالیستی مبلغ و مروج سیستم سرمایه‌داری، از جمله مبلغ فضایل "بازار آزاد" سرمایه‌داری است که با هدایت‌های مدیرانه "داووس" قادر به نشان دادن پتانسیل کامل خود (اکنون که از محدودیت‌های دوران جهان دوقطبی رها شده) می‌باشد. اما در شرایط کنونی که توده‌های مردم جهان وضعیت دهشتناک زندگی سراسر جنگ و جنایت و گرسنگی را با گوشت و پوست خود تجربه کرده و ناشی بودن همه این فجایع از حاکمیت امپریالیسم را درک می‌کنند، گردانندگان داووس مجبور شده‌اند که این اطلاعیه پیش از نشست خود را به تشریح یک سری بلایای غیرقابل کاهش و مرتبط با یکدیگر و ترسیم تصویری از خطرات جهانی ناشی از آنها اختصاص بدهند. "سعدیه زاهدی" مدیر عامل "WEF" در مقدمه گزارش نوشته است که این گزارش "در پس زمینه تغییرات تکنولوژیکی رو به رشد و عدم اطمینان اقتصادی تنظیم شده است، زیرا جهان گرفتار دو بحران خطرناک است: محیط زیست و جنگ و ...". او در این متن همچنین اظهار داشته است که "نارضایتی اجتماعی در سال گذشته در بسیاری از کشورها قابل لمس بود و اخبار اعتراضات خشونت آمیز و اعتصابات و قطعی شدن جوامع و ... به این مورد اختصاص داشتند.

در رابطه با محیط زیست در گزارش فوق، ذکر شده است که نظرات ۱۵۰۰ متخصصی که به منظور تهیه این گزارش مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ نشان دهنده این واقعیت بوده‌اند که خطرات ناشی از تغییرات اقلیمی می‌توانند در سال جدید به نقطه بی بازگشت و با خطری جدی در مقیاس جهانی برسند. نویسندگان گزارش همچنین به این امر اشاره کرده‌اند که "با توجه به مقیاس عظیم تأثیرات بالقوه و نیازهای سرمایه‌گذاری زیرساختی، برخی جوامع قادر به مقابله با اثرات حاد و مزمن تغییرات سریع آب و هوا نخواهند بود...". و سپس در متن گزارش توضیح داده شده که در نتیجه نارضایتی‌های عمومی در انتخابات سال آینده ممکن است مشروعیت دولت‌های تازه انتخاب شده تضعیف شود و این می‌تواند به ناآرامی‌های مدنی (از اعتراضات خشونت آمیز و جنایات ناشی از نفرت گرفته تا رویارویی مدنی و تروریسم) منجر شود. (۳) البته نویسندگان گزارش تقصیر این وضع را به گردن انتشار اطلاعات و اخبار نادرست بخصوص در فضای مجازی انداخته و به دلائل واقعی ناآرامی‌های مدنی در کشورهای غربی اشاره نکرده‌اند. واقعیت این است که با اینکه طبقه سرمایه‌دار حاکم هرگز از اصطلاح "مبارزه طبقاتی" استفاده نمی‌کند، اما از آن آگاه است و مبارزات انقلابی مردم در سراسر جهان همیشه طبقه حاکم را وادار کرده است که (هر چند با زبان گنگ بورژوازی مانند آنچه که در گزارش داووس می‌بینیم) به رشد روزافزون آن اعتراف کند. در این گزارش هم مجمع جهانی اقتصاد با زبان الکن خود اعتراف کرده است که نظم دموکراتیکی که خودش قبلاً مدعی بود از عملکرد اقتصاد بازار آزاد سرچشمه می‌گیرد، می‌تواند در نتیجه شرایط موجود به طور کامل از بین برود.

از طرف دیگر، برخورد دولت‌ها با آنچه که به اصطلاح "انتشار اخبار نادرست در اینترنت" می‌نامند، باعث هر چه بیشتر زیرپا گذاشتن حتی همین دموکراسی ناقص بورژوازی شده است، زیرا دولت‌ها به طور فزاینده‌ای به کنترل اطلاعات بر اساس آنچه که خود درست تشخیص داده‌اند، پرداخته و سانسور و تسلط خود بر اینترنت و دیگر منابع خبری-اطلاعاتی را افزایش داده‌اند.

این گزارش که در بحبوحه جنگ اوکراین و نسل‌کشی اسرائیل در غزه و تهدید جنگ در دیگر نقاط خاورمیانه (و همچنین افزایش تنش میان آمریکا و چین و ...) نوشته شده، در این رابطه گفته است که "درگیری مسلحانه" میان دولت‌ها نیز جزو خطرات اصلی تهدیدکننده جهان در دو سال آینده است. آنها این خطر را به یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌های سال ۲۰۲۳ که اختراع هوش مصنوعی است، ربط داده‌اند. نویسندگان گزارش بدون اسم بردن از هیچ دولت و رژیم (بخصوص طبقه حاکم بر آمریکا) با اشاره به گسترش جهانی "جنگ‌های نیابتی و احتمالاً حتی جنگ‌های مستقیم توسط قدرت‌ها" که "می‌تواند منجر به جنگ‌های مرگبارتر، طولانی‌تر و بحران‌های بشردوستانه" شود، نوشته‌اند که "افزایش انگیره برای تصمیم‌گیری مرکزی از طریق هوش مصنوعی در تصمیم‌گیری در جنگ‌ها (به عنوان مثال انتخاب هدف‌های بمباران) به طور قابل توجهی خطر تشدید تصادفی یا عمدی جنگ‌ها را در دهه آینده افزایش می‌دهد."

البته با اینکه هوش مصنوعی به تنهایی دلیل ادامه جنگ‌ها نیست، اما نظر طرح شده در این گزارش در رابطه با هوش مصنوعی کاملاً نادرست هم نیست. زیرا که طبقه سرمایه‌دار حاکم همیشه از هر چیزی (از جمله اکتشافات و اختراعات بشر که پتانسیل کمک به بهتر کردن زندگی انسان را دارند) برای افزایش قدرت نابودکننده خود علیه کارگران و ستمدیدگان (با هدف افزایش قدرت اقتصادی-سیاسی طبقات حاکم) سوءاستفاده کرده و خواهد کرد. اما در یک جامعه سوسیالیستی که مبتنی بر توسعه جمعی و استفاده از نیروهای مولد مطابق با برنامه‌ریزی و سازمان دهی دموکراتیک به شکلی منطقی-علمی-انسانی سازمان یافته باشد، هوش مصنوعی زمینه‌ای را برای پیشرفت اجتماعی فوق‌العاده فراهم خواهد کرد.

در گزارش مزبور به بحران بالا رفتن هزینه زندگی و خطر تورم و رکود اقتصادی در دو سال آینده نیز اشاره شده اما اهمیتی که به آن داده اند بسیار کمتر از واقعیت‌های موجود است. هر چند که نویسندگان این گزارش در جهت اهداف بورژوازی خود به بیان برخی واقعیت‌ها پرداخته اند؛ اما این واقعیت‌ها خود تأیید کننده این حقیقت هستند که روابط اقتصادی-اجتماعی حاکم بر سیستم سرمایه‌داری که مبتنی بر مالکیت خصوصی است، به جنگ و جنایت و نسل کشی منتهی شده و اگر این سیستم به دست طبقه کارگر آگاه نابود نشود، وضعیت اسفبار کنونی هر چه وخیم تر خواهد شد.

در انتهای گزارش نیز به اصطلاح "راه حل"‌های بورژوازی برای رفع بحران‌های ذاتی سیستم مطرح شده که ماهیت این به اصطلاح "راه حل‌ها" نشان دهنده این واقعیت است که نخبگان سرمایه‌داری جهانی هیچ پاسخ واقعی برای جلوگیری از فروپاشی سیستمی که با جنگ و دندان از آن حفاظت می‌کنند، ندارند و نمی‌توانند از آن جلوگیری کنند. به عنوان مثال در بخشی از گزارش که به واقعیت تشدید جنگ‌های میان کشورهای بزرگ و کوچک اشاره شده، به عنوان راه حل در انتها گفته شده است که "تلاش مشترک (دولت‌ها) سنگ بنای رسیدگی به خطرات جهانی است". معلوم نیست نویسندگان گزارش که خود معترف هستند که جنگ‌های نیابتی قدرت‌ها (به دلیل رقابت‌های فزاینده میان آنها) در حال گسترش هستند، چگونه از همان قدرت‌ها می‌خواهند که با هم همکاری کنند؟ درحالی‌که حتی اگر همکاری هم وجود داشته باشد، با تعمیق درگیری‌های امپریالیستی بی‌اثر شده یا می‌شود. واقعیت این است که راه حل‌ها و چشم‌انداز همکاری که از جانب بنگاه امپریالیستی مزبور ارائه شده، در چهارچوب سیستم سرمایه‌داری است. درحالی‌که وجود خود سیستم سرمایه‌داری مانع اصلی در برابر هرگونه راه‌حل منطقی برای بحران‌های عمیق موجود (که ساخته همین سیستم است) می‌باشد. برخلاف چشم‌اندازی که گزارش مزبور ارائه داده، همکاری جهانی رژیم‌های سرمایه‌داری راه حل مقابله با بحران‌ها و خطرات جهانی نیست. درواقع نابودی انقلابی همین رژیم‌های سرمایه‌داری و قدرت گرفتن طبقه کارگر آگاه تنها راه حل عملی برای رفع مشکلات خلق‌های جهان است.

مسئله نفس همکاری جهانی برای حل بحران‌هایی که سرمایه‌داری ایجاد کرده، ضروری است. اما این همکاری فقط به دست طبقه کارگر جهانی می‌تواند تحقق یابد، یعنی به دست آن نیروی اجتماعی که منافع مادی آن مبتنی بر الغای سیستم سرمایه‌داری و ایجاد سیستم سوسیالیستی است.

به جز گزارش "مجمع جهانی اقتصاد" که بخشی از آن توضیح داده شد، گزارش دیگری نیز همزمان با آن در رابطه با نشست داووس منتشر شد که توسط "آژانس بین‌المللی کمک‌های آکسفام" تحت عنوان Inequality.Inc تهیه شده بود. (۴) در گزارش آکسفام روند افزایش ثروت‌های نجومی در دست طبقه نسبتاً کوچک سرمایه‌دار و روند تمرکز قدرت انحصاری اقتصادی و سیاسی در دست تعداد انگشت شماری از شرکت‌های بزرگ جهانی (انحصارات) شرح داده شده است. (۵) به عنوان مثال در آن گزارش ذکر شده است که از سال ۲۰۲۰ تاکنون پنج تفر از ثروتمندترین افراد جهان مستقیماً از شیوع بیماری کرونا سود برده اند؛ به طوری که در هر ساعت ۱۴ میلیون دلار به ثروت آنها افزوده شده و مجموع ثروت آنها از ۴۰۵ میلیارد دلار به ۸۶۹ میلیارد دلار افزایش یافته است. اما حدود ۵ میلیارد نفر (بیش از نیمی از جمعیت جهان) فقیرتر شده اند. آکسفام همچنین هشدار داده است که اگر روند کنونی ادامه یابد، در عرض یک دهه اولین تریلیون دنیا ظهور خواهد کرد. اما فقر تا ۲۲۹ سال دیگر هم از بین نخواهد رفت. یعنی درواقع کل صنایع در حوزه‌های حیاتی مانند تولید مواد غذایی، انرژی، کشاورزی و تکنولوژی در تعداد انگشت شماری از شرکت‌های بزرگ (و صاحبان سرمایه دارشان) متمرکز هستند. به عنوان مثال یک سوم کل سود شرکت‌های بزرگ جهان متعلق به یک هزارم درصد (۰.۰۰۱٪) از آنها است.

راه حل سازمان‌های اصلاح طلب بورژوازی (از جمله آکسفام و گردانندگان "WEF") برای مهار کردن ثروت انحصارات، به درخواست از دولت‌ها برای افزایش مالیات شرکت‌ها و صاحبان سرمایه‌دار آنها محدود می‌شود؛ با اینکه خود آنها (گردانندگان "WEF" و آکسفام) در بخشی از گزارش‌های خود به این موضوع اشاره کرده‌اند که دولت‌ها (که خود آنها نیز جزوشان هستند) ابزار قدرت انحصارات (شرکت‌های بزرگ چند ملیتی و صاحبان سرمایه‌دار آنها) هستند. این اصلاح طلب‌ها هرگز در گزارش‌های اینچینی خود این سوال را مطرح نکرده‌اند و پاسخ نداده‌اند که چرا اکثر دولت‌ها و در بیشتر مواقع به خواست اصلاح طلبان پاسخ نداده و مالیات سرمایه‌داران را کاهش نداده‌اند و برعکس از سال ۱۹۸۰ تاکنون در نتیجه مبارزه بسیار موثری که سرمایه‌داران بزرگ علیه مالیات به راه انداختند، نرخ رسمی مالیات شرکت‌ها در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری به نصف کاهش یافته و نابرابری طبقاتی بیش از پیش تشدید شده است؟ (۶)

آیا واقعا میتوان از طریق درخواست از دولت‌های امپریالیستی با دیکتاتوری و استبداد و فاشیسم مبارزه کرد؟ خصوص که یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی در دوره اخیر چرخش به راست همه دولت‌ها و گسترش دیکتاتوری،

فاشیسم و استبداد طبقه سرمایه‌دار حاکم بر جهان و حمایت دولت‌های امپریالیستی از آنها بوده است. واقعیت این است که ارتباط مستقیمی بین قدرت اقتصادی و سیاسی وجود دارد و قدرت اقتصادی این انحصارات تصادفی نبوده و توسط دولت‌های سرمایه‌داری به آنها واگذار شده است. در نتیجه درخواست کمک از دولت‌های سرمایه‌داری برای کاهش قدرت شرکت‌های انحصاری، برخوردی نادرست و بغایت انحرافی به موضوع می‌باشد.

هر کدام از دو گزارشی که به طور خلاصه بررسی کردیم، به سبک خود به جزئیات شرایط فاجعه بار فعلی جهان پرداخته‌اند که زاده نظام پوسیده سرمایه‌داری جهانی است. واقعیت این است که نظام سرمایه‌داری در حال سوق دادن جهان به سوی بربریت است و تنها راه متوقف کردن این پروسه سرنگونی انقلابی سیستم سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم می‌باشد. گردانندگان "WEF" و آکسفام به مثابه اصلاح‌طلبان سرمایه‌داری با درخواست‌هایشان از دولت‌ها، هرگز به زبان نمی‌آورند که شکل‌های مختلف حکومت که توسط طبقات سرمایه‌دار حاکم بر کشورها (با ظاهر متفاوت اما ذاتاً مشابه) ایجاد شده و می‌شوند، کارشان حفظ و گسترش تسلط شرکت‌ها و سرمایه‌های مالی است. از آنجا که نوع حکومت‌ها ریشه در فرآیندهای عینی طبقاتی-اقتصادی دارند، تلاش طبقه سرمایه‌دار برای حفظ و گسترش تسلط خود تلاشی است برای دیکتاتوری و نه برای دموکراسی. رفرمیست‌ها از این واقعیات بی‌اطلاع نیستند، آنها از بیان این واقعیات خودداری و جلوگیری می‌کنند زیرا که می‌دانند منجر به نتیجه گیری‌هایی می‌شود که رفرمیست‌ها نمی‌خواهند حتی به ذهن مردم خطور کند.

اما طبقه کارگر و حامیانش در هر کشوری با ارزیابی شرایط عینی زندگی‌اشان و در جریان مبارزات انقلابی‌اشان آگاه‌تر شده و مبارزه طبقاتی-سیاسی خود را بر این اساس توسعه خواهند داد. آنها بنابر تجربیات مبارزاتی خود به این واقعیت پی برده‌اند که نباید برای اصلاح دولت‌های سرمایه‌داری، بلکه برای سرنگونی آنها و استقرار دولت‌های مدافع کارگران و زحمتکشان مبارزه کنند. این بدان معناست که برنامه انقلاب سوسیالیستی جهانی (که طبقه کارگر آگاه جهان باید برای آن به شکلی سازمان یافته و آگاهانه مبارزه کند) چشم‌اندازی دور از ذهن نیست و باید به برنامه عملی این طبقه تبدیل شود.

مریم

دی ماه ۱۴۰۲

زیرنویس‌ها:

- 1- نشست سالانه داووس با حضور سیاستمداران، روسای شرکت‌های بزرگ چندملیتی، میلیاردرهای صاحب آن شرکت‌ها و افراد مشهور دیگری از روز دوشنبه ۱۵ ژانویه تا جمعه ۱۹ ژانویه ۲۰۲۴ برگزار شد.
- 2- برای مطالعه گزارش "WEF" به این لینک رجوع کنید:
<https://www.weforum.org/publications/global-risks-report-2024/shareables-e366ac1455>
- 3- منظور نویسندگان گزارش از "نارضایتی مردم که ممکن است در انتخابات سال آینده به تضعیف مشروعیت دولت‌های تازه انتخاب شده منجر شود" نارضایتی‌های مردم در کشورهای پیشرفته غربی است. زیرا که به خوبی می‌دانند که انتخابات در کشورهایی مانند ایران معنا ندارد. البته با نارضایتی های مردم ایران و مبارزات انقلابی آنها نیز آشنا هستند و به خوبی می‌دانند که مردم آگاه ایران از هر فرصتی برای سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی استفاده خواهند کرد. البته هر بار هم همین امپریالیست‌ها با کمک تشکلهای گوناگون نظامی-سیاسی‌شان به کمک رژیم ایران می‌آیند.
- 4- آکسفام (Oxfam) در ظاهر یک شرکت "خیریه" بین‌المللی است که در سال ۱۹۴۳ در انگلستان ثبت شد؛ اما در واقعیت یکی از بنگاه‌هایی است که هدفش حفظ سلطه نظام سرمایه‌داری است.
- 5- منظور از «نسبتاً کوچک بودن طبقه سرمایه‌دار» کم بودن تعداد سرمایه‌داران بزرگ در مقایسه با طبقه کارگر و متحدینش می‌باشد.
- 6- بسیاری از شرکت‌های بزرگ (و صاحبان سرمایه‌دارشان) از طریق ثبت سرمایه‌هایشان در بهشت‌های مالیاتی تقریباً هیچ مالیاتی پرداخت نمی‌کنند.